

## در این شماره میخوانیم

فعالیت‌های جهاد سازندگی انسان را بسیار دلخوش می‌کند (سخنان امام) ..... صفحه ۴

انقلاب و مردم ..... صفحه ۸

انقلاب اسلامی ایران چگونه شکل گرفت و در راه حفظ و تداوم آن چه باید کرد (پای صحبت مسئولین مملکتی) ..... صفحه ۱۰

انقلاب اسلامی و گروهک‌های ضدانقلاب ..... صفحه ۱۶

ره‌آورد‌های انقلاب اسلامی در قطع دست سرمایه‌داران و ارائه خدمات به محرومین و مستضعفین ..... صفحه ۲۰

راه پر پیچ و خم استقلال اقتصادی را چگونه طی کنیم ..... صفحه ۲۲

تداوم انقلاب در این است که انقلاب با حرکت انقلابی باقی بماند (مصاحبه با رئیس جمهور) ..... صفحه ۲۶

سومین گردهمایی سراسری جهاد سازندگی ..... صفحه ۲۸

نقاط ضعف و نقاط قوت انقلاب اسلامی از دیدگاه مسئولین ..... صفحه ۳۲

چگونه و چرا در دورانی از انقلاب لیبرال‌ها بر آن مسلط شدند؟ (پای صحبت مسئولین مملکتی) ..... صفحه ۳۸

نقش نهادهای پس از انقلاب ..... صفحه ۴۰

نقش نهادهای انقلابی در حفظ و تداوم انقلاب ..... صفحه ۴۲

نقش شعار در انقلاب اسلامی ..... صفحه ۴۴

هر روز خون و آتش، هر روز جنگ و حماسه، هر روز فتح و نصرت ..... صفحه ۴۶

تحولی که انقلاب در هنر آفرید (مصاحبه با برادر شاهرخی) ..... صفحه ۴۶

صنع بشر نمودی از صنع خدا (از استاد شهید مطهری) ..... صفحه ۷۸

حکومت قانون و حاکمیت نظم ضامن بقای جامعه است ..... صفحه ۸۰

آیا کار خدماتی منشاء مالکیت است (از آیت‌الله شهید بهشتی) ..... صفحه ۸۲

معجزه تحول انسان در گذر انقلاب اسلامی ..... صفحه ۸۴

چگونه مدعیان طرفداری از خلق بدست خلق قهرمان منزوی شدند (پای صحبت مسئولین مملکتی) ..... صفحه ۸۶

زندگی را دوباره هجی کن! ..... صفحه ۹۲

قصه‌ها و غصه‌های غسالان بهشت زهرا ..... صفحه ۹۶

گذری در لحظه‌های خوش و با امام بودن ..... صفحه ۹۸

روزهای پیروزی انقلاب بروایت ساواک ..... صفحه ۱۰۲

نیمه شب بود که تانک بداخل بیمارستان هجوم آورد (خاطرات تلخ و شیرین از زبان پرسنل بیمارستان) ..... صفحه ۱۰۴

قطعه‌نامه سومین سمینار سراسری جهاد سازندگی ..... صفحه ۱۱۴

اخبار جهاد سازندگی از سراسر کشور ..... صفحه ۱۱۸

جهاد: از گان جهاد سازندگی  
سال دوم شماره ۲۷-۲۲ بهمن ۱۳۶۰ ویژه سالگرد پیروزی  
انقلاب اسلامی ایران  
زیر نظر هیات تحریریه  
تک شماره ۵۰ ریال  
آدرس: تقاطع خیابان انقلاب دانشگاه، تپش خیابان دانشگاه  
ساختمان جهاد سازندگی قدس طبقه سوم، دفتر مجله  
مکاتبات: میدان انقلاب... دفتر مرکزی جهاد سازندگی  
صندوق پستی ۱۳/۳۳۱  
تلفن ۰۲۱-۶۶۷۶۸۱ (۲۳۹ داخلی) ۶۴۹۲۹۳ (مستقیم) جهاد هر  
در هفته یکبار منتشر میشود.  
جواب: از ایران چاپ

# «جهاد» باید بماند و به جهاد ادامه دهد

سرمقاله

به شکل گیری روزافزون نظام جمهوری اسلامی و ضرورت مشخص شدن جایگاه تمام نهادها و ارگانها در چنین نظامی به جهت ایجاد نظم و برنامه ریزی انقلابی، ضروری هم مینماید. و باید با دقت و عمق درباره آن به فکر و تأمل نشست.

پاسخگویی به این سوال در کل جمهوری اسلامی نه تنها ضرورت این مرحله از انقلاب ماست، بلکه بطور اخص ضرورتی است که در رابطه با نحوه حیات و حرکت جهاد نیز مطرح میگردد و میتواند دورنمای مبهم و گنگ بسیاری از مسائل را روشن گرداند.

بنابراین در برخورد با چنین سخنانی قبل از آنکه عنان اختیار از کف بدهیم و نگران و ناراحت شویم، باید در کمال آرامش و دقت پاسخی برای آن پیدا کنیم و مشخص کنیم که وقتی ماصحبت از ماندن جهاد میگوید و از ضرورت حیات آن پاپیای حیات و حرکت انقلاب اسلامی سخن میگویند، چگونه ماندنی را می‌طلبیم و از جهاد با کدام محتوای ارزشی سخن میگویند.

حرف اینست که جمهوری اسلامی برای سروسامان دادن به کارهای خود، برای ایجاد یک برنامه ریزی متمرکز در سراسر کشور و جلوگیری از دوباره کاریها و اتلاف و صرف مقادیر زیادی ذخائر مادی و نیروی انسانی که از این رهگذر بوجود میاید، میبایستی از تعداد ارگانها و نهادها و مراکزی که تماما کارهای مشابه، اما متفرق و پراکنده انجام میدهند جلوگیری نماید.

از طرفی میگویند جهاد بتهناتی یک دولت است؛ جهاد در روستاها به مسائل عمران و کشاورزی پرداخته، پس وزارت کشاورزی و عمران روستایی چکاره است؟ اگر امر بهداشت و درمان بعهده وزارت بهداشتی است، پس کاری که جهاد در زمینه درمانی و بهداشتی در روستاها میکند چیست؟ اگر قرار است کار وزارت راه، راهسازی و جاده کشی در شهر و روستا باشد، جهاد هم که بهمین کار در روستاها مشغول است. پس این چه میگوید؟! از یکطرف ما آموزش و پرورش داریم و از سوی دیگر جهاد در روستاها به امر آموزش و پرورش بچه‌های روستایی نیز می‌پردازد، این دوگانگی را چکار کنیم؟

بقیه در صفحه ۲

بسم الله الرحمن الرحيم  
رفت و آمدهای چندماهه اخیر بین اعضای جهاد سازندگی و مسئولین و مقامات مملکتی و طرح این مسئله که نقش جهاد در نظام جمهوری اسلامی به چه شکلی خواهد بود، سئوالها و نگرانیهایی را در سطح جامعه و جهادگران ایجاد کرده بود که مگر چه شده؟ چرا صحبت از بود نبود جهاد است و...

انعکاس این سئوالها و نگرانیها در سومین سمینار سالیانه جهاد سازندگی و در لایبای سخنان اعضای شوراهای مرکزی استانهای مختلف بخوبی مشاهده میشد.

هر چند که اظهار نظر برادران مسئول مملکتی در رده های مختلف اجرایی همه حکایت از این میکرد که جهاد باید بماند و بکار خود در راه سازندگی ایران اسلامی ادامه دهد. باین وجود نفس طرح همین صحبتها چه برله یا بر علیه، این سئوال را بوجود آورده که اصولاً چرا میبایستی چنین سئوالی مطرح گردد!!

گرچه سیاق روزنامه نگاری حکم میکند تا مطالب این ستون درباره ۲۲ بهمن، سالگرد پیروزی بزرگترین انقلاب معجزه آسای قرن - به تعبیر امام - اختصاص داده شود، باین وجود سرعت تحولات و دیگرگونیهای جامعه از یکطرف و کمبود امکانات برای رابطه گیری بیشتر با خوانندگان از طرف دیگر، ما را ناگزیر میسازد تا برخلاف سنت معمول و عادت مقبول هربار، یکی از مهمترین، ضروری ترین و فوری ترین مسائل جامعه - و یا جهاد - را گزینش کرده و به بحث پیرامون آن بپردازیم.

هر چند که این سخن بمعنای نفی اهمیت و ضرورت بحث پیرامون «سالگرد پیروزی ۲۲ بهمن» نیست، وبهین جهت هم بوده که ما سعی کرده ایم تمامی مطالب این شماره مجله را به بحث و گفتگو پیرامون این پیروزی میمون و مبارک اختصاص دهیم.

\*\*\*

واقعیت اینست که طرح مسئله «آینده جهاد و جایگاه آن در نظام جمهوری اسلامی» - (صرف نظر از اینکه از جانب چه جریانات و اشخاصی و با چه انگیزه‌ها و گرایشاتی صورت میگردد) - نه تنها نمیتواند نگرانی آور و وحشت زاباشد، بلکه برعکس با توجه

# «جهاد»

## باید بماندو

## به جهاد ادامه دهد



از معضل ترین مشکلات جمهوری اسلامی بشمار میرود. وان مسئله هماهنگی عناصر اجرائی با قوانین تدوین شده و در یک کلام همسویی و هم سخنی مجریان با قوانین و برنامه هاست.

جمهوری اسلامی مادرطول سه سال که از عمرش میگذرد به دوصورت از مشکل بالارنج برده است.

۱- متأسفانه وجود روحیه اجتهاد فردی در بعضی مسئولین و عدم سرسپردگی به قوانین تصویب شده از سوی مراجع قانونگذاری باعث شده تا بسیاری از قوانین مطرح شده در قانون اساسی و غیره را کد و دست نخورده باقی مانده و در جهت اجرای آنها هیچ کوشش و تلاشی صورت نگیرد.

بطور مثال در مسئله شوراها علیرغم تصویب قانون اساسی تا بحال یک پیگیری جدی و مشخص در جهت اجرا و تحقق آن صورت نگرفته است.

این مسئله از آنجا ناشی میگردد که وزیر و یامسئولین مربوطه خودشان به مسئله شورا اعتقادی نداشته و یا حتی با آن مخالف بوده اند. در نتیجه با هر تأویل و تفسیری شده از اجرای آن سرباز زده اند. فرضاً اگر تشکیل شوراهای اسلامی مورد تأکید شورای انقلاب قرار گرفته. وزارت کار که در سطح کارخانجات موظف به تشکیل شوراهای اسلامی کارگری بوده نه تنها در جهت تشکیل آنها اقدامی نکرده است. بلکه به سبب مخالفت یکی دوتن از وزرای پیشینتر به مخالفت با شوراها نیز برخاسته است بعد از چندی که کابینه تغییر کرده و وزیر مزبور عوض شده است با قرار گرفتن فردی که به مسئله شورا اعتقاد داشته جریان عوض شده و برنامه ریزیها در جهت تشکیل شوراها سمت و سو گرفته است و باز با عوض شدن وزیر قبلی و روی کار آمدن وزیر جدید دوباره روز از نو و روزی از نو!

مثال روشنتر آنرا در مورد وزارت بازرگانی میتوان بیان کرد:

قانون اساسی بردولتی شدن تجارت خارجی تأکید صریح دارد. مجلس شورای اسلامی بر اجرای

میداد، عشق به نجات انسان بود که حکم می راند و تنوع و چندگانگی و تقسیم مسئولیت نمی شناخت! و تازه بر فرض که میخواست مسئولیتی را نیز به دیگری واگذار کند، کدام مسئولی بود که بپذیرد و نابسامانیها را به سامان رساند؟

این تصور بغایت غلطی است که عده ای بیندارند جهاد باید مجری برنامه ها و طرحهایی باشد که حاصل تراوش افکار بیگانه با انقلاب است.

از بحث منحرف نشویم و پاسخ را به جزئیات نکنانیم! بررسی ماندن یا رفتن جهاد به این مسائل ختم نمیشود بلکه باید آن را در فرآیندی وسیعتر به بحث نشست.

قبل از آنکه به بحث پیرامون مسئله از یک نقطه نظر کلی بپردازیم به بیان سه نظریه عمده ای

بعضی ها می پندارند که جهاد بولدوزر است، در حالیکه برعکس جهاد باید راننده بولدوزر هم باشد. جهاد بنایه هویت خویش می یابست برنامه ریز هم باشد.

میردازیم که درباره آینده جهاد وجود دارد و سپس توضیحی کلی پیرامون هر یک میاوریم.

۱- جهاد بروود داخل ادارات و آنها را متحول کند.  
۲- ادارات را در جهاد داخل کنیم و زیر نظر جهاد قرار بدهیم.

۳- جهاد حذف شود و اعضا و عناصر آن جذب سایر وزارتخانه ها و ارگانها گردند.  
برای پاسخگویی و توضیح درباره موارد بالا ناگزیر از توضیح پیرامون مسئله ای هستیم که یکی

در زمینه برق رسانی نیز با وجود وزارت نیرو، جای این سوال هست که جهاد چرا باید به اینکار بپردازد و...

در اینجا پاسخ روشن است، در یک کلام میتوان گفت که انقلاب اسلامی گسستن زنجیرهای اسارت و بردگی و رفع تظلمات و تبعیض ها و نابرابریها از اهم اهداف خود قرار داده است. از یک طرف روستاها تجسم فقر، محرومیت، حقارت و ستمی است که بر انسان رفته است و

بعنوان نخستین قدم در راه سازندگی و از بین بردن نابسامانیها، میبایستی که از آنجاها شروع کرد. امام به سازندگی و ساختن ویرانیهای ۲۵۰۰ سال ستمشاهی فرمان داده بود و ادارات ما هیچکدام توان و کشش چنین کاری را نداشتند. از اینرو نیروی از درون خود مردم بپاخواست و کمر همت به آبادسازی روستا بست. اما وقتی به روستا رفت، دید که روستا هیچ چیز ندارد. نه خانه و کاشانه ای، نه آبی، نه برقی، نه کشاورزی و زمینی نه آموزش و پرورش و نه... هیچ چیز! ولذا مجبور بود تا به هر کاری بپردازد، در آنجا دیگر منطق نبود که فرمان

آن اصرار می ورزد. تعدادی از نیروهای مسلمان نسل انقلاب در رأس امور قرار می گیرند و به تلاش در جهت تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی و دولتی کردن تجارت خارجی و کنترل توزیع کالاهای مورد نیاز مردم - که جزء لاینفک دولتی شدن بازرگانی خارجی است - می پردازند و در این راه صرف فکر و بودجه و نیروی انسان ووووو.....

بمحض اینکه حاصل تلاششان می رود به بار بنشیند. باعوض شدن وزیر، تمام آنچه که رشته بودند پنبه می شود و بازرگانی خارجی به مسلخ می رود و وزارت بازرگانی به گونه ای عمل میکند که اگر ادامه پیدا کند خود سد راه دولتی شدن تجارت خارجی میگردد!

این مسئله و نظائر آن نشان میدهد که چگونه عدم هم سنجی مجریان با قوانین تصویب شده میتواند از اجرای آن جلوگیری نماید.

بگذریم از اینکه این روند لطمات عظیم مادی و معنوی به جمهوری اسلامی وارد کرده و آنرا فاقد

بروکراسی حاکم بر آنها.

اجزاء یک مجموعه هر کدام به سهم خود در کل مجموعه و تشکیلات مؤثرند. و اگر اجزاء مجموعه با برنامه های آن همسویی و همجهتی نکنند روال و جریان بسیاری کارها کند و یا حتی منحرف میگردد. پاتوجه به آنچه که رفت میتوان تصور کرد که ناهماهنگی ابزار و عناصر اجرائی انقلاب با فکر و آیدنولوژی انقلاب میتواند از پیاده شدن و تحقق آرمانهای انقلاب جلوگیری نماید.

اگر این مسئله را با عمق و دقت نگاه کنیم جواب سئوالی را که در رابطه با بود و نبود جهاد و دیگر نهادهای انقلابی طرح میگردد در خواهیم یافت. و خواهیم فهمید که برای تحقق آرمانها و ایده الهی انقلاب اسلامی جهت خدمت به محرومین و مستضعفین و سازندگی ایران اسلامی از چه نیروهائی باید کمک گرفت؟ از عناصری که فرزندان انقلابند و انقلاب باتار و بود وجودشان عجیب شده است یا عناصر و ابزاری که بنوعی با آیدنولوژی

دو بافت متضاد و ناهمگون کدامیک بمانند.

جهاد یا ادارات؟

البته در اینجا ما منکر تحولاتی که در طول سه سال گذشته در ادارات و در درون بسیاری از عناصر و کادربندی اداری صورت گرفته است نیستیم. همچنین نمیخواهیم مدعی شویم که هر چه عنصر مؤمن انقلابی و پرتحرک و دلسوز و جوددار، در جهاد جمع شده اند و ادارات کانون عناصر غیر مؤمن و و آخورده است و اصلا یک فرد مؤمن و انقلابی در آنجاها یافت نمیشود. و اصلا مدعی انحلال ادارات در کل جامعه و جایگزینی جهاد بجای آنها نیستیم، بلکه غرض تنها یک مقایسه است که اگر فرار شود انقلاب اسلامی برای تحقق آرمانها و ایده الهی از ابزاری متناسب استفاده نماید کدام ابزار کار آمدتر و برنده تر است، جهاد یا ادارات؟

شاید اگر یک انقلاب اداری در جامعه صورت گرفته بود و بنیاد ادارات بر پایه برنامه ها و فکر اسلامی متحول و دگرگون شده بود و شاید اگر انقلاب اسلامی مراحل شدت و وحدت خود را از سر گذرانده بود و شرایط انتقال جامعه از نظام قبلی به نظام جدید کاملا صورت گرفته بود و بنیادها تغییر یافته بود در آن صورت اصلا چنین بحثهایی پیش نیامد.

اما در شرایطی که انقلاب در اوج مقابله با بزرگترین توطئه های ضد انقلاب در داخل و خارج قرار دارد و هنوز باید قدم در میدانهای جدیدتر مبارزه و بیکار بگذارد و بهیچاری بهتر در شرایطی که انقلاب دائما در حال جوشش است و ادامه دارد، چگونه میتوان چنین سپهر محکمی را از دست آن گرفت و یا تجزیه کرد و درهم شکست؟! اگر میتوانیم تضمین کنیم که در غیاب جهاد کارنامه خدمات جمهوری اسلامی به محرومین و مستضعفین روستا از همین درخشندگی برخوردار خواهد بود و اگر مدعی هستیم که وزارت راه در زیر بقیه در صفحه ۸۸

ضروری است تا جهاد هر چه سریعتر بر اساس هویت واقعی خود یک تعریف مشخص و معین از اهداف و برنامه های خود و از جایگاهی که در نظام جمهوری اسلامی دارد ارائه داده و اساسنامه خود را تنظیم و تدوین کند.

پیگیری برنامه ریزیهای بنیادین و اساسی خواهد کرد.

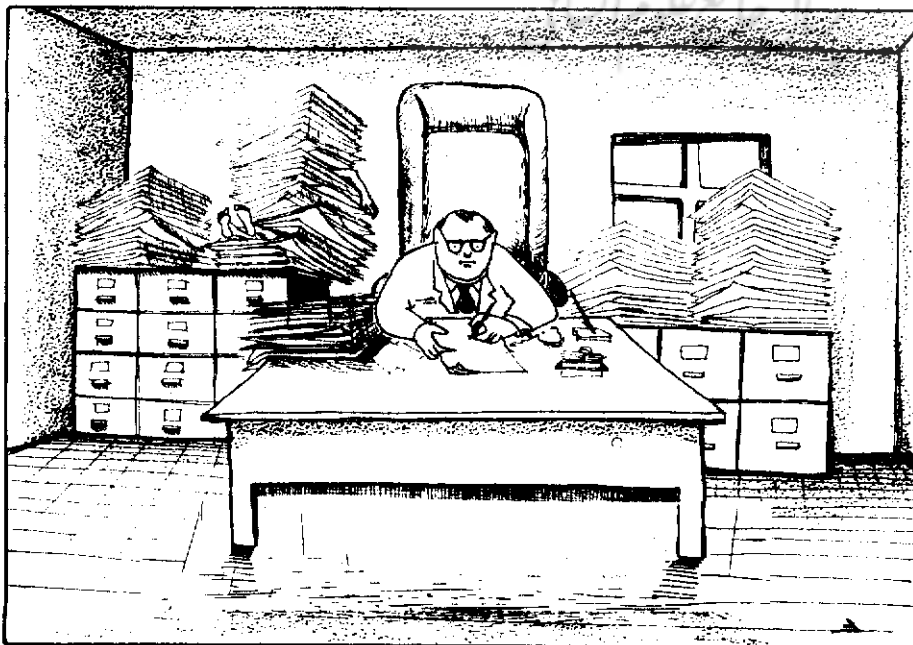
حال اگر به این همه، نبودن یک انسجام فکری و ادراستی کل وزارتخانه ها اضافه کنیم آنوقت ابعاد قضیه روشنتر می شود.

۲ - تجربه نشان میدهد که صرف حضور یک نفر

دشمن می کوشد تا نهادهای انقلابی را فاقد سواد، تجربه و برنامه ریزی و کارهای سنجیده و از روی فهم معرفی کند و قصد دارد تا در دراز مدت با تکیه بر این مسئله آنها را از صحنه انقلاب خارج نماید.

وزیر انقلابی و یا چند عنصر انقلابی در رأس یک وزارتخانه و یا اداره و نهاد وغیره نیز هیچ مسئله ای را حل نمیکند. وای بسا که بروکراسی و مقررات و قوانین حاکم بر ادارات و وزارتخانه ها همان چند نفر را نیز در درون خود مستحیل گرداند.

نگاهی به عظمت دستگاه عریض و طویل اداری کشور بخوبی مشخص میگرداند که تا یک انقلاب اداری در بافت وزارتخانه ها و ادارات ماصورت نگیرد، بسیاری از قوانین مهم و انقلابی و اسلامی بعلت عدم سنخیت با ساخت حاکم بر ادارات در مسلخ آنها قربانی میشوند. و برای رهائی از این بلیه راهی نداریم جزیک جراحی بزرگ و اساسی در نظام



## «جهاد» باید...»

آتش مهیب و سهمگین خمپاره و توپ قادر است در مدت کمی کیلومترها جاده احداث کند و اگر و اگر... در آن صورت حرجی نیست که از نبود جهاد و ادغام آن در وزارتخانه ها سخن بگوئیم. اما اگر چنین نیست پس لاجرم جهاد باید بماند و تا تحقق کامل اسلام به خدمات خود ادامه دهد.

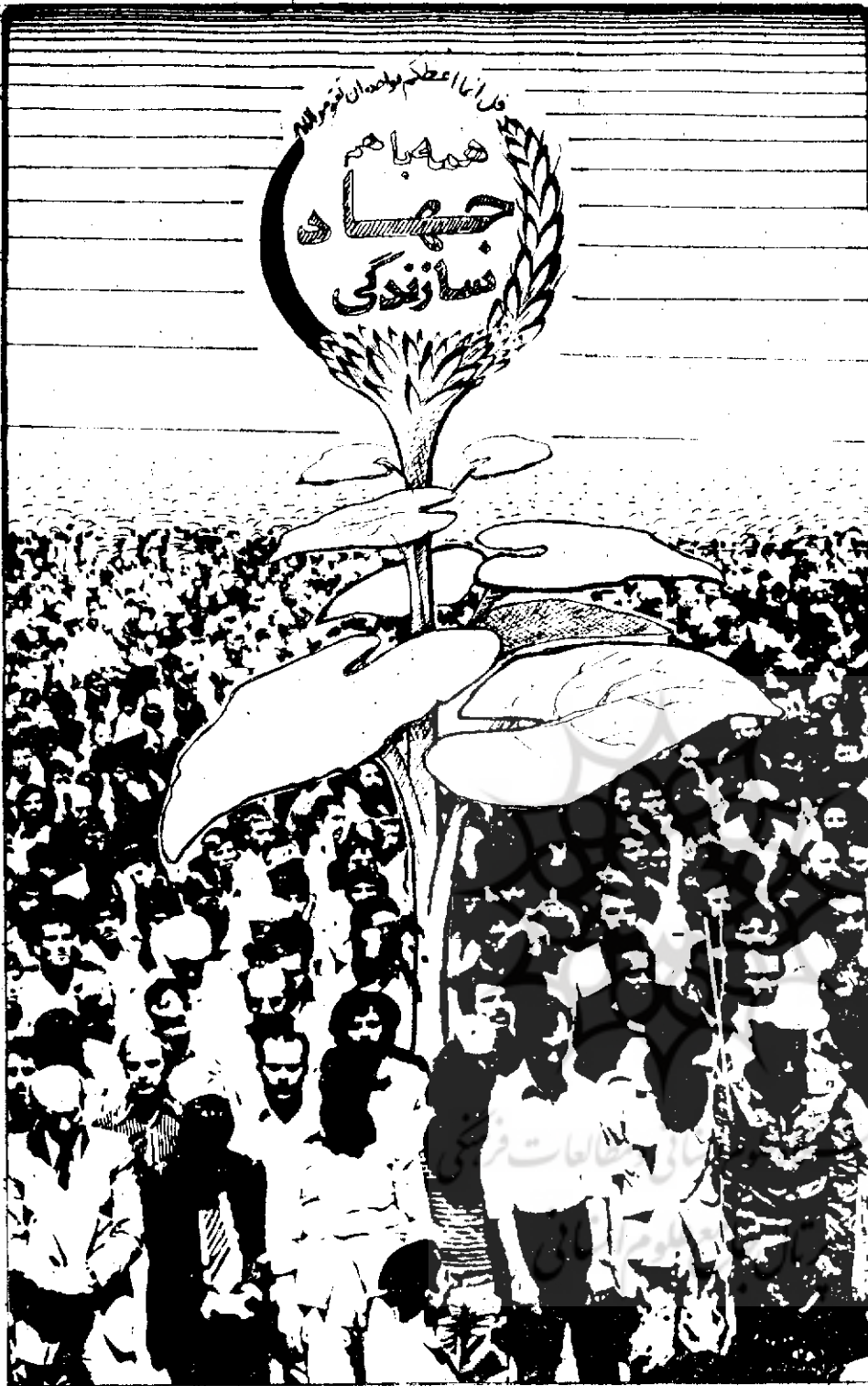
اما در اینجا سخنی هم با جهادگران وجود دارد و آن اینکه حفظ حیات جهاد سنگی به پارامترها و مراعات ملزوماتی دارد که بی توجهی به آنها چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه برای تثبیت جهاد قانون بگذارند، چه نگذارند و... حیات جهاد را در آینده دستخوش تزلزل خواهد کرد.

در حقیقت بانگش عقیق تر میتوان فهمید که ماندن یا نماندن جهاد بدست خود جهاد امکانپذیر است و الا بقیه همه حرف آهت و شعار و اگر این مبنای درونی که ضامن حفظ و تداوم حرکت جهاد در جامعه است مورد توجه و پیگیری قرار گیرد هیچ نیروی قادر به انحلال آن نخواهد بود و برعکس اگر نسبت به آن بی توجهی شود، با هیچ شعاری نمیتوان حیات

کار جهاد، کاشتن گند، ساختن حمام و احداث راه و جاده سازی نیست، جهاد باید کاری کند که هویت نابود شده روستائی محروم و انسانیت فراموش شده اش را به او بازگرداند. که اگر چنین کند روستائی خود به درمان تمام نابسامانیهایش کسر همب خواهد بست.

جهاد را حفظ کرد.

بنظر ما آنچه که جهاد را بعنوان یک حرکت انقلابی و یک نیروی کارآمد و موثر در جریان انقلاب حفظ می کند و به آن حیات و زندگی می بخشد، همانا محتوای است که جهاد در طول سه سال گذشته از آن برخوردار بوده است. و آن محتوا در یک کلام روح اسلام، انقلاب و ایثار است. در حقیقت جهاد در طول عمر کوتاه و پربار خویش جز این سه هیچ چیز نداشته است. و اگر بخواهیم از زاویه تخصص و با یک عینک مادی و با اصطلاح علمی! به آن نگاه کنیم شاید در مقایسه با دیگر وزارتخانه ها و ارگانها که پر است از متخصص و فرهنگ رفته و لیسانس گرفته و مدرک قاب کرده!! به مراتب از تحرک و کارائی کمتری برخوردار است! مادر شماره گذشته بطور مسمط و مفصل پیرامون آنچه که جهاد را بعنوان یک نهضت و حرکت انقلابی و سفیر و پیام آور انقلاب حفظ میکند، سخن گفتیم و توضیح بیشتری را در اینجا



فرهنگ اسلام و انقلاب بعنوان یک جریان پویا در درون جهاد، چه دورنمای آسف آوری برای جهاد وجود دارد.

از طرفی جهاد باید توجه داشته باشد که رسالت او هیچکدام از رسالتهای وزارت کشاورزی، وزارت راه و وزارت نیرو و... نیست. بلکه کار جهاد در وهله اول تبلیغ و اشاعه و گسترش فرهنگ انقلاب در روستاها و در مراحل بعدی انجام کارهای عمرانی و رفاهی و بهداشتی است.

بعبارت بهتر جهاد می بایست روستاها را دگرگون کند (از حالت فقر و محرومی به پیشرفت)

ضروری نمیدانیم اما تاکید فراوان داریم که تنها با پیروی از چنین رهنمودی است که میتوان تداوم جهاد را حفظ نمود.

والا جهاد منهای آن خصوصیات و برنامه ها در درازمدت و در آینده ای نه چندان دور، خود به وزارتخانه یا نهادی تبدیل می شود که اولاً لزتمام مقررات و خصوصیات یک نهاد اداری برخوردار بوده و ثانیاً حساسات و نیروهای متخصص و کار آزموده آنها را نیز فاقد است.

با این توجه میتوان تصور کرد که بدون تبعیت از یک چنین برنامه ریزی و دمیدن دانشی و مستمر

رقم و بی تحرک روستا را که سالیان سال در زیر ستم مضاعف ستمشاهی و نظام ارباب و رعیتی از جان افتاده است حیاتی دوباره بدمد.

هرگز کار جهاد، کاشتن گندم، ساختن حمام و احداث راه و جاده سازی نیست. جهاد باید کاری کند که هویت نابود شده روستائی محروم و انسانیت فراموش شده اش را به او باز گرداند. که اگر چنین کند روستائی خود به درمان تمام نابسانیهایش کمر همت خواهد بست

بعضی ها فکر می کنند که رسالت جهاد بهنگام سیل ها و طوفانها و خرابیها معنا پیدا می کند و حال آنکه اگر وظیفه جهاد انجام چنین کارهائی هم هست اما رسالت جهاد اینکارها نیست.

همچنین عده ای وحشی شاید بعضی از جهادگران تصورشان اینستکه جهاد تنها یک نهاد اجرائی است که باید بعنوان ابزار و پیمانکار از آن مدد گرفت. بقول یکی از برادران می پندارند که جهاد بولدوزراست! درحالیکه برعکس جهاد باید راننده بولدوزرهم باشد. جهاد بنابه هویت خویش می بایست برنامه ریز باشد. جهاد باید جایگاه عناصر فکری و برنامه ریز انقلاب باشد. این تصور بغایت غلطی است که عده ای پندارند جهاد باید مجری برنامه ها و طرحهائی باشد که حاصل تراوش افکار بیگانه با

تنظیم و تدوین کند.

و سپس در چهارچوب آن اهداف و با پرهیز از پراکنده کاری و غیره و توأم با هماهنگی لازم با دولت حرکت نماید.

باید تا آنجا که ممکن است از تداخل کارها با دیگر نهادها و ارگانها جلوگیری نموده و درچارچوب اهداف خاص خویش حرکت نمود. چرا که این یک حقیقت است که جمهوری اسلامی ما باید از پراکنده

کار جهاد در وهله اول تبلیغ و اشاعه و گسترش فرهنگ انقلاب در روستاها و در مراحل بعدی انجام کارهای عمرانی و رفاهی و بهداشتی است.

کارها و کارهای غیرمتمرکز خلاصی یابد.

یکی دیگر از مسائلی که در رابطه با جهاد طرح میگردد. اینست که جهاد عناصر کارآمد خود را به وزارتخانه ها بدهد. این نیز حرف بغایت غلطی است که یا از روی نادانی و جهل گفته می شود و یا توسطه ای برنامه ریزی شده و مشخص را دنبال می کند. شکی نیست که انسان در مسیر کار و در جریان

نگاهی به عظمت دستگاه عریض و طویل اداری کشور بخوبی مشخص میگرداند که تا یک انقلاب اداری در بافت وزارتخانه ها و ادارات ما صورت نگیرد، بسیاری از قوانین مهم و انقلابی و اسلامی بعلت عدم سنخیت با ساخت حاکم بر ادارات در مسلخ آنها قربانی می شود.

کارآموزده و زبده می شود. بسیاری چیزها یاد می گیرد و نقائص کارش را دائما در جریان عمل تصحیح می نماید.

انقلاب است. فرض کنید در مسئله برنج نمیتوان به جهاد گفت برنامه ریزان صاحب نظران اقتصادی ما در فلان وزارتخانه به نتیجه رسیده اند که مثلا برنج باید از طریق واسطه ها خریداری شود و جهاد باید ترتیبی بدهد که خرید و فروش برنج از این طریق صورت گیرد.

فرهنگ جهاد، فکر جهاد و برنامه جهاد، فرهنگی است ضدواسطگی، ضد سلف خری، ضد استعمار، مدافع حقوق مردم محروم و مستضعف و اصلا جهاد واسطه نمی شناسد.

در چنین مواردی باید جهاد بر مواضع خود محکم و استوار بایستد. البته مسئله بمفهوم برخورد و کساکش ایجاد کردن نیست. سخن بر سر اینست که اگر مثلا فلان وزارتخانه کسکش پیاده کردن برنامه ها و اهداف انقلاب را ندارد. اگر مثلا پرو وزارت کشاورزی علی ایزدی صدارت می کند و اگر واگر... نباید انتظار داشت و پذیرفت که جهاد مجری برنامه ها و افکار آنها باشد.

از اینرو ضروری است تا جهاد هر چه سریعتر بر اساس هویت واقعی خود و با توجه به ملزوماتی که در شماره قبل بر شمردیم یک تعریف مشخص و معین از اهداف و برنامه های خود و از جایگاهی که در نظام جمهوری اسلامی دارد ارائه داده و اساسنامه خود را

اگر قرار باشد جهاد سه سال و یا بیشتر و کمتر بپای فردیا افرادی وقت بگذارد. بودجه مصرف کند و... و هنگامیکه آن نیروها به شکوفه و بار می نشینند و کارائی و تحرک لازم را پیدا می کنند، آنها را از جهاد گرفته و بجائی دیگر منتقل کنیم. در آن صورت هیچگاه جهاد برخوردار از عناصر متخصص و کارآمد که لازمه انجام کارهای بنیادی و اساسی است نخواهد شد. و این توطئه ای است که دشمن می کوشد بر علیه نهادهای انقلابی صورت دهد.

دشمن می کوشد تا نهادهای انقلابی را فاقد سواد، تجربه و برنامه ریزی و کارهای سنجیده و از روی فهم معرفی کند و قصد دارد تا در دراز مدت با تکیه بر این مسئله آنها را از صحنه انقلاب خارج کند.

او خوب میداند که اگر نهادهای انقلابی در جریان کار مجرب تر و کار آزموده شوند. بالطبع کارائی آنها دوچندان خواهد شد و بنابراین محبوبیشان در جامعه فزونی گرفته و جامعه بدانها اقبال خواهد کرد. و این اقبال جامعه به نیروهای انقلابی عناصر لیبرال منش را خوش نیاید و توطئه های آنها را در بسیاری جاها عقیم میگذارد.

سخن آخر هم که ادارات را در جهاد داخل کنیم بقدری ذهنی و غیر واقعی است که حتی توضیح راجع به آن غیر منطقی می نماید!

از جمله مهمترین کارهائی که جهاد باید بدان پردازد و از ملزومات اساسی کارش بشمار میاید، مسئله برنامه ریزی است که به اشاره درباره آن صحبت شد و متأسفانه کمبود جا این فرصت را نمیدهد تا بطور مفصل تر پیرامون آن صحبت کنیم و اشاء... در آینده نزدیک اگر فرصتی دست داد به آن نیز خواهیم پرداخت.

همچنین مسائل دیگری در زمینه نیروگیری و دیگر ملزومات حرکت جهاد وجود دارد که بحث از آنها را نیز به فرصتی دیگر می گذاریم و مطلب را در همینجا پایان می بریم. «والسلام»

